

الهیات تطبیقی (علمی)

سال دهم، شماره بیست و یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۸

ص ۴۵-۶۲

بررسی و مقایسه امثال در قرآن کریم و عهد جدید^۱

فرشته دارابی* - عباس اشرفی**

چکیده

مراد از مثل در این پژوهش، خلاصه‌شده داستان در قالب تشبیه است. درحقیقت مثل، نوعی استدلال در خدمت اثبات موضوعی است که عموماً ذهنی و عقلی است. مثل، ترسیم خیال است که در وهم حالت تجسد پیدا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که شنونده شخصاً در معرکه حضور دارد. حوادث را از نزدیک مشاهده می‌کند. بدون تردید خداوند از پنهانی‌های روان بشری آگاه و مطلع است؛ به همین دلیل مثل‌های دینی به مراتب بهتر از دیگر امثال بیان‌کننده حقایق پنهانی و غیرمادی است. مثل‌های دینی با ایجاد مشابَهت و همگونی میان معانی معقول و اشیای محسوس به معانی تجسم می‌بخشند تا از رهگذر آن معانی دینی هرچه بیشتر به فهم و ادراک مخاطبان نزدیک‌تر شوند. این پژوهش از روش کتابخانه‌ای - اسنادی استفاده شده و با تکیه بر روش کیفی از نوع تحلیل محتوایی - استنباطی در پی آن است تا گامی هر چند اندک برای بسترسازی در زمینه گفتگوی ادیان بردارد؛ به همین دلیل در این پژوهش در وهله نخست موضوعات امثال قرآن کریم و عهد جدید بررسی شده است؛ بدین صورت که بیشترین تعداد امثال در قرآن به مسئله توحید و شرک و در عهد جدید به توصیف ملکوت خداوند اختصاص دارد و از لحاظ اقسام مثل، مثل‌های قرآنی تنوع بیشتری نسبت به مثل‌های عهد جدید دارند و به ترتیب در قرآن، رمزی، قیاسی، فردی، تاریخی و توصیفی‌اند؛ اما در عهد جدید به صورت رمزی، توصیفی، قیاسی و تاریخی‌اند. مراد قسم مثل فردی است، امثال به فردی، رمزی، قیاسی، تاریخی و ...

واژه‌های کلیدی

امثال، قرآن کریم، عهد جدید، تمثیل، تحلیل محتوا

^۱ این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی مصوبه ۱۳۹۴/۳/۱ با حمایت مادی و معنوی دانشگاه علامه طباطبائی انجام شده است.

fereshteh_darabi81@yahoo.com

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

ashrafi@atu.ac.ir

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (مسئول مکاتبات)

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۰

Copyright © 2019, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they cannot change it in any way or use it commercially.

مقدمه

مثل از مهم ترین و مؤثرترین راههایی است که متکلم را در انتقال مفاهیم پیچیده و دیرپای یاری می‌رساند و با به اندیشه واداشتن مخاطب، مسیر انتقال پیام به او را هموارتر و آسان‌تر می‌کند. همین امر سبب شده است تا یکی از ابزارهای رایج ادیان برای تربیت آدمی، تشریح برخی از موضوعات و مسائل با تکیه بر مثل باشد؛ زیرا حقایق دشوار عقلی را به لباس مثال‌های حسی در می‌آورند.

با توجه به اینکه معجزه مقدس دین اسلام از جنس زبان و بر اوج فصاحت و بلاغت است. به همین دلیل از اسالیب متفاوتی برای تفهیم مطالب و مفاهیم برای هدایت بشر بهره گرفته است که به حق یکی از مؤثرترین این اسلوب‌ها مثل است که تعداد مثل‌های قرآنی اندک نیستند. از طرف دیگر، حضرت عیسی (ع) مشهور به استفاده از زبان مثل و بهره‌گیری از ابزار مهم برای تفهیم مطالب به مخاطبان بوده است.

حقیقت انکارناپذیر این است که بسترسازی برای تقریب ادیان الهی امکان‌پذیر است و بحث و گفتگو درباره آن در این برهه از زمان، لازم و حیاتی است. این در حالی است که گنجینه‌های معنوی و عرفانی و ادبی ادیان آنچنان غنی و پر بار است که می‌تواند برای همه نسل‌ها در همه سطوح و در همه زمان‌ها، هدایت‌کننده و جهت‌دهنده باشد. یکی از مهم‌ترین معارف مشترک در ادیان، مثل است. مثل از مؤثرترین شکل‌های ادبی برای تبلیغ آموزه‌های دینی و اخلاقی بوده است.

به همین دلیل امثال از جمله موضوعات مشترک بیانی، میان تعالیم قرآن کریم و عهد جدید است. این قالب بیانی، نه در اسلام و نه در مسیحیت به شکل شایسته، مطالعه و پژوهش موشکافانه و روشمند نشده است و از سوی دیگر، باید اذعان کرد در بررسی مثل‌های متون مقدس دینی همواره به پوسته و ظاهر این مثل‌های اکتفا شده است و عمدتاً از دیرباز دانشمندان و پژوهشگران علوم قرآنی، وجهه همت خود را صرف بحث‌های بلاغی و

آرایه‌های لفظی و اعجاز بیانی کرده‌اند. به خصوص در سال‌های اخیر به جنبه‌های ادبی متون دینی توجه فراوانی شده است. تحلیل و بررسی مطالعه آثار و کتاب‌ها در زمینه جنبه‌های ادبی قرآن نشان می‌دهد پژوهشگران به ساختارهای ادبی، عناصر متعددی مانند زبان، واج‌شناسی، صرف (ریخت‌شناسی)، نحو، نظم و بلاغت، تألیف و سبک بیشتر توجه نشان داده‌اند. این نوع از مطالعات هر کدام در جای خود دارای اهمیت است؛ اما با توجه به اینکه رسالت اصلی این کتب، هدایت‌گری مردم و انتقال معارف به مخاطبان خود است، پژوهش در زمینه معارف و مفاهیم ناب و ارزنده کتب دینی راهگشای خوبی در چالش‌های فرهنگی امروزه در جهان کنونی تقابل اندیشه‌ها است؛ زیرا باعث احیای فرهنگ و تمدن دینی می‌شود و به خوبی در جدال اندیشه‌های به ظاهر زیبا ولی خالی از معرفت، پیروز میدان است.

بر اساس این، پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی محتوای امثال در دو کتاب دینی و مقدس می‌پردازد تا امثال را از نگاه دو کتاب بزرگ که طرفداران زیادی در جهان دارند، از لحاظ محتوا، معارف و ساختار بررسی کند؛ به همین دلیل دغدغه مهم در این پژوهش این است که امثال کتب دینی برای بیان معارف در قالب چه موضوعاتی بیان شده، و آیا امثال قرآنی و امثال عهد جدید از یک نوع قسم از اقسام‌اند. آیا ساختار و جمله‌بندی آنها با هم متفاوت است.

۱-۱: پیشینه تحقیق

درباره امثال قرآن کریم علاوه بر تفسیر و تشریح مفسران، اندیشمندان نیز کتب مستقلی تألیف کرده‌اند که عبارت‌اند از:

اسماعیل اسماعیلی، **تفسیر امثال القرآن**، تهران: انتشارات اسوه، بی‌تا.

علی اصغر حکمت، **امثال قرآن**، تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۶۱.

محمد جابر فیاض، **الامثال فی القرآن الکریم**، جده:

از یک اصل آمده است: در عربی مَثَل Mathal، در عبری Ma [sal] مثل، در زبان آرامی مَثَل [tal] M، در زبان حبشی مِثَل Mesel و در اکدی Meslum به معنی تشبیه چیزی به چیز دیگر است (زلهایم، ۱۳۸۱: ۲۱). زمانی که یک جمله تشبیهی صورت کامل یافت، بر آن مثل اطلاق می‌شود. اصطلاح مثل برای سخنان سائره و کلامی که بر زبان‌ها روان باشد، نیز ثابت و مقرر شده است (حکمت، ۱۳۳۳: ۱).

۱-۲-۱: مثل در قرآن کریم

در قرآن کریم واژه «مثل» و مشتقات آن ۱۶۹ مرتبه در ۱۴۸ آیه و در مجموع ۵۰ سوره از قرآن تکرار شده است. این واژه در قرآن کریم به پنج معنی آمده است که عبارت‌اند از:

۱- «حکایات تمثیلی» از جمله در آیه «وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ...» (کهف / ۳۲)؛ ۲- به معنی «داستان‌های گذشته و تواریخ ایام گذشته» به اعتبار آنکه محل تأمل و عبرت‌اند.

۳- «شبیهِ» از جمله در آیه «وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ» (زخرف / ۱۷) «درحالی‌که هر گاه یکی از آنها را به همان چیزی که برای خداوند رحمان شبیه قرار داده بشارت دهند، صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه شود و خشمگین می‌شود».

۴- «صفت» از جمله در آیه «لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السُّوءِ وَ لِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَى» (نحل / ۶۰) «برای آنها که به سرای آخرت ایمان ندارند، صفات زشت است و برای خدا، صفات عالی است».

۵- «نمونه کامل» و «اسوه» از جمله در آیه «إِنَّ هُوَ إِلَّا عِبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَ جَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ» (زخرف / ۵۹) «مسیح فقط بنده‌ای بود که فقط نعمت به او بخشیدیم و او را نمونه و الگویی برای بنی‌اسرائیل قرار دادیم» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۲۰؛ حسینی، ۱۴۱۳: ۶۴۸-۶۴۷).

دارالعالیه للکتاب الاسلامی، ۱۴۱۵ق.

حمید محمد قاسمی، مثل‌های قرآن، تهران: اسوه، ۱۳۸۲.

ناصر مکارم شیرازی، امثال القرآن، قم: انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۲.

همچنین پایان‌نامه‌هایی در این زمینه به رشته تحریر در آمدند که عبارت‌اند از:

بررسی جایگاه تربیتی روش مثل در قرآن، اثر رضا امانی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۰.

مثل‌های قرآنی و پیامدهای آن برای تعلیم و تربیت، زهرا اسماعیلی، دانشگاه ملایر، ۱۳۹۱.

تحلیل و بررسی تشبیهات و مثل‌های قرآنی و شباهت‌ها وارد به آن، مریم باقری، دانشگاه قم، ۱۳۹۲.

فلسفه تربیتی تشبیه‌ها و مثل‌ها در قرآن کریم و دلالت‌های آنها در تربیت اخلاقی، مهدی خالقی، دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۹۳.

درخصوص امثال عهد جدید نیز علاوه بر شارحان و تفاسیر عهد جدید، اندیشمندان نیز به تألیفاتی دست زده‌اند؛ از جمله:

براون، ریموند، مثل‌های انجیل، تهران: کانون یوحنا رسول، بی‌تا.

شارپانته، آتین، چگونه عهد جدید را بخوانیم؟، تهران: کانون یوحنا رسول، بی‌تا.

در یک نگاه کلی این چنین پیشینه پژوهش حاضر برداشت می‌شود که پژوهش‌های مذکور در رابطه با امثال در قرآن کریم و عهد جدید بیشتر جنبه تفسیرگرایانه و نگاه کلی دارند؛ به گونه‌ای که به شرح لغات، شأن نزول و بررسی ظاهر و پوسته امثال از نظر تشبیه و استعاره پرداخته‌اند و با نگاه تطبیقی به بررسی محتوای امثال در عهد جدید و قرآن کریم نمی‌پردازد؛ ولی این پژوهش درصدد بررسی محتوای امثال به صورت تطبیقی است.

۱-۲: واژه‌شناسی «مثل»

واژه «مثل» در زبان‌های سامی به اختلاف لهجه‌ها ولی

دلیل است که گفته‌اند: مثال‌ها چراغ‌های قرآن‌اند» (فیروزآبادی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۶۹). همچنین روش طرح مثال‌های قرآنی از جنبه‌های اعجاز این کتاب آسمانی به‌شمار می‌رود.

۲-۱: معنای مثل در عهد جدید

از همان ابتدای حیات کلیسا، حکایاتی که عیسی در تبیین تعالیمش نقل می‌کرد، مثل می‌نامیدند. واژه مثل (parable) مشتق از ریشه یونانی (parabolē) در اصل به مفهوم مقایسه و قیاس است. ذهنیت مردم مشرق زمین به گونه‌ای بود که طبیعتاً تمایل داشتند در قالب مقایسه و قیاس سخن گویند و تعلیم دهند. بدین منظور بیشتر از معما نیز استفاده می‌شد تا حس کنجکاوی شنونده برانگیخته و به پژوهش و بررسی بیشتر ترغیب شود. این گرایش را به‌وضوح در کتب مقدس به‌ویژه در ضرب‌المثل‌های حکیمان و فرزنانگان کتاب مقدس، شاهدیم (امثال؛ ۱۰: ۲۶؛ ۱۲: ۱؛ ۴: داور؛ ۱۴: ۱۴)؛ با این حال صرف برانگیختن حس کنجکاوی مخاطب، علت اصلی استفاده از مثل در کتاب مقدس نیست؛ بلکه مثل را باید استفاده تشریحی از نمادها یا تصاویری دانست که از واقعیات روزمره زندگی گرفته شده‌اند تا نشان‌دهنده حقایق مکشوف الهی باشند (نظیر حقایقی چون تاریخ مقدس، مکوت آسمان و ...). روندی که به توضیح و تشریح دقیق و عمیق نیاز دارد (لئون ذوفور؛ بی تا: ۴۴۸).

به همین دلیل ویژگی تعالیم عیسی به‌کارگیری مثل بود؛ تا جایی که در کتاب مقدس آمده است «بدون مثل به ایشان سخنی نگفت» (مرقس/ ۴: ۳۴). اگرچه بعید نیست که عیسی نشانی از فردیت خود در مثل باقی گذاشته باشد، مثل از ابداعات او نیست؛ زیرا مثل همان‌گونه که گفته شد سنت دیرینه آموزشی (اخلاقی) با اینگونه روش‌های غیرمستقیم را پشت سر داشت که قدمت آن به دوران تورات باز می‌گردد. اصل این کلمه یونانی در ترجمه سبعینیه برای ترجمه کلمه عبری «م ش ل» استفاده شده که در عهد قدیم به کار رفته است و به معنای مثل یا شبیه است.

قرآن کریم به‌صورت گسترده از مثال‌های مختلف استفاده کرده است که هر یک در جای خود زیبا و آموزنده‌اند و با زبانی ساده و روان از حقایق ژرف و معارفی عمیق پرده برداشته است. جایگاه و اهمیت مثال‌های قرآن کریم تا جایی است که مثال در قرآن کریم، یکی از موضوعات اساسی پنجاه‌گانه‌ای است که محورهای عمده مسائل قرآنی را تشکیل می‌دهند. به استناد روایت نقل‌شده از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله که فرمودند «همانا قرآن بر پنج وجه نازل شد: حلال و حرام، محکم و متشابه و مثال‌ها، پس به حلال عمل کنید و از حرام پرهیزید و از محکم پیروی کنید و به متشابه ایمان آورید و از امثال عبرت بگیرید» (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۴۱۱؛ زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۱۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۹: ۱۴۸).

هر چند در قرآن کریم حقایق، معارف، حکایات، مواعظ، دستورات اخلاقی و تربیتی فراوانی به چشم می‌خورد، در این حدیث شریف به‌جای یادکرد از آنها، تنها از امثال قرآنی - به‌عنوان یکی از ارکان مهم قرآن - یاد شده و همگان را به پند و عبرت‌گرفتن از آنها دعوت کرده است. از این امر به‌وضوح جایگاه و اهمیت شایان تمثیلات قرآنی آشکار می‌شود و به‌خوبی می‌توان دریافت تمثیلات قرآن به‌تنهایی نقش‌های متعددی از جنبه‌های علمی، اخلاقی، تربیتی، اجتماعی و ... دارند و همچون منشوری از خود پرتوهای گوناگون و خیره‌کننده صادر می‌کنند.

به تعبیر دیگر، اگر بشر در طریق تربیت و هدایت و برای تشخیص حق از باطل و نور از ظلمت و ارزش‌ها از ضد ارزش‌ها، جز تمثیلات و تشبیهات بدیع قرآن، ابزار و وسیله دیگری در اختیار نمی‌داشت، همین او را کفایت می‌کرد و در پرتو هر یک از این چراغ‌های هدایت، راه را از بیراهه به‌خوبی تشخیص می‌داد. همان‌گونه که فیروزآبادی در این رابطه آورده است «هر یک از مثال‌های قرآن همچون گوه‌های درخشان و گنج‌های گرانبها و مخزن علوم و اسرار بیکران و دریای موج معارف و چراغ‌های فروزان رهپویان طریق هدایت‌اند و به همین

۱۴؛) با این حال صرف برانگیختن حس کنجکاوی مخاطب، علت اصلی استفاده از مثل در کتاب مقدس نیست؛ بلکه مثل را باید استفاده تشریحی از نمادها یا تصاویری دانست که واقعیات روزمره زندگی گرفته شده‌اند تا نشان‌دهنده حقایق مکشوف الهی باشند (نظیر ملکوت آسمانی و ... روندی که بیشتر نیاز به توضیح و تشریح دقیق و عمیق دارد (عزیز، ۱۳۹۲: ۴۵).

۱-۳: اقسام مثل

پژوهشگران مثال‌ها را از ابعاد مختلف و به روش‌های گوناگونی تقسیم‌بندی کرده‌اند؛ یعنی گاه مثال‌ها را از جنبه ظاهر و گاه از جنبه محتوایی، گاه از جنبه شرایط زمانی و مکانی که مثال‌ها در آن تکوین یافته‌اند و گاه از جنبه ارائه‌دهندگان مثال یا طبقات و محیط فرهنگی آنها یا از جنبه‌های دیگر ملاحظه شده و انواع گوناگونی از مثال‌ها را بر شمارده‌اند. آقای حکمت در کتابش مثل را این‌چنین دسته‌بندی کرده است:

۱- هرگاه آن حکایت از زبان حیوانات و نباتات و احجار و امثال آن گرفته شود که وقوع آن حکایت در خارج محال باشد، آن را به عربی تمثیل یا مثل و به فرانسه Fable گویند.

۲- هرگاه آن حکایت به صورت رمز و تعمیمه ادا شود که از آن معنایی فلسفی یا عرفانی استخراج شود، آن را «تمثیل رمزی» و به فرانسه Allegorie نامند.

۳- و چون آن حکایت از مردم روایت شود و یا وقوع آن امکان‌پذیر باشد، آن را «تمثیل دینی» و به فرانسه Parabole می‌نامند.

۴- و اگر آن حکایت از افسانه‌های گذشتگان و اخبار خرافی پیشینیان گرفته شود، آن را «اسطوره» (و جمع آن اساطیر) و به فرانسه Mythe می‌خوانند.

۵- و هرگاه آن اسطوره‌ها و افسانه‌های کهن از معتقدات عامه باشند، آن را مجموعاً قصص یا اعتقادات یا روایات تاریخی Folklore نام دهند (حکمت، ۱۳۶۱: ۵-۴).

اصطلاح مثل در این پژوهش از مصادیق پارابل است؛

در عهد جدید این کلمه حدود ۴۸ بار در اناجیل و دوبار در رساله به عبرانیان به کار رفته است و کلمه مترادف آن یعنی «parolmia» سه بار در انجیل یوحنا (۱۰:۶؛ ۱۶:۲۵ و ۲۹) و یک بار در رساله دوم پطرس (رساله دوم پطرس/ ۲:۲۲) به کار رفته است (عزیز، ۱۳۹۲: ۲۵). عهد جدید مصادیق زیادتری دارد که عبارت‌اند از:

۱: مثل به صورت استعاره کوتاه آمده است؛ مانند «خمیرمایه فریسیان» (متی / ۶:۱۶).

۲: مثل در قالب تشبیه کوتاه بیان شده است؛ مانند «حکیمان مانند مارها هستند» (متی / ۱۰:۱۶) یا «مانند خورشید نور می‌دهند» (متی / ۱۳:۴۳).

۳: مثل با زبان تصویری بدین صورت است که این نوع مثل استعاره ای طولانی و صورتی وسیع است (متی / ۱۸: ۱۴-۱۲).

۴: مثل با زبان تصویری بدین صورت است که این نوع تشبیهی طولانی است (متی / ۱۳: ۳۱-۳۳).

۵: مثل‌هایی‌اند که به صورت داستان و شامل جزئیات ریز و غیرضروری‌اند و معمولاً در صیغه گذشته بیان می‌شوند؛ مانند مثل کشاورز (مرقس / ۴: ۳-۹)؛ و مثل عروسی پسر پادشاه (متی / ۲۲: ۱-۲).

۶: همچنین داستان‌های توضیحی‌اند، ولی زبان تصویری در آنها زیاد نیست. شاید لوقای بشیر تنها کسی بوده که این نوع مثل را در انجیل خود آورده باشد. در انجیل او مثل از این نوع می‌یابیم. مثل سامری نیکو (لوقا/ ۱۰: ۳۰-۳۷)؛ مثل فریسی و باج‌گیر (لوقا/ ۱۸: ۹-۱۴).

با وجود مستندات ذکرشده به نظر می‌رسد ذهنیت مردم مشرق زمین به گونه‌ای بود که طبیعتاً تمایل داشتند در قالب مقایسه و قیاس سخن گویند و تعلیم دهند. بدین منظور بیشتر از معما استفاده می‌شد تا حس کنجکاوی شنونده برانگیخته شود تا مخاطب به پژوهش و بررسی بیشتر ترغیب شود. این گرایش به وضوح در کتب مقدس، به‌ویژه در ضرب‌المثل‌های حکیمان و فرزنگان کتاب مقدس مشاهده می‌شود (امثال/ ۱۰: ۲۶، ۱۲: ۴؛ داور/ ۱۴:

۴: مثل های رمزی

مثل رمزی در واقع نوعی استدلال است که برای اقناع مردم و انتقال فکر و ایده به آنها به منزله بهترین شیوه بیان شناخته شده است (پورنامداریان، ۱۳۸۹: ۸۵). در این شیوه از مثل، اشیا و موجودات، معادل مفاهیمی قرار می گیرند که خارج از حوزه آن روایت قرار دارند (داد، ۱۳۷۱: ۵۲). به عبارت دیگر، مثل های رمزی به آگاهی از قبل شناخته شده، شکلی جاودانه می بخشد (شوالیه، ۱۳۷۸: ۴۵).

۴-۱: موضوع امثال

با توجه به اینکه انسان با موجودهای مادی و محسوس بیشتر در تعامل است و شناخت بیشتری از این پدیده ها دارد، برای انتقال موضوعات عمیق و عقلانی می توان از مثل استفاده کرد تا کم کم زمینه درک مسائل عقلانی و غیر محسوس برای او فراهم شود.

۴-۱-۱: مثل های قرآن

قرآن کریم برای بیان موضوعات و مسائل متعددی از قالب مثل استفاده کرده است. در این قسمت موضوعاتی قرآنی که در قالب مثل بیان شده، تقسیم بندی شده است که عبارت اند از:

الف - شرک و توحید

مهم ترین موضوع در بین مثل های قرآنی موضوع توحید و شرک است که بیشترین تعداد مثل ها یعنی بیش از ۱۸ مثل قرآنی را به خود اختصاص داده است. مردم عرب معاصر پیامبر (ص) اکثریت مشرک بودند و مهم ترین رسالت نبی مکرم اسلام (ص) در مبارزه با شرک و بت پرستی و تبلیغ توحید و یگانه پرستی بود. با توجه به اینکه مسئله شرک و توحید از مسائل عقیدتی است و برای تفهیم این موضوع مهم، قرآن کریم از قالب مثل های مادی و حسی برای مخاطبان خود استفاده می کند، تقریباً تمامی نظام برده داری و فرق بین فرد آزاد و برده را به خوبی می داند؛ به همین دلیل قرآن کریم با تشبیه افراد مشرک به برده و افراد مؤمن به اشخاص آزاد، مفهوم

به گونه ای که برای هر آنچه با ایجاد مشابهت میان معنایی معقول با امری محسوس به خوبی واقعیات دور از ذهن را برای انسان مجسم می کند و به تصویر می کشد و با این روش، راه ادراک بسیاری از مفاهیم دینی و عقلی را برای انسان آسان می کند و بیشترین میزان تأثیر را در نهاد او به جای می گذارد.

از جنبه محتوا نیز مثل ها را به ۴ نوع تقسیم کرده اند:

۱: مثل های قیاسی

استفاده از مقایسه مطلب و هدف را به خوبی به مخاطب منتقل می کند؛ زیرا در این روش، تجزیه و تحلیل مسائل و یافتن پرسش ها و همچنین پاسخ آنها، پیدا کردن تفاوت ها و شباهت ها و رسیدن به نتیجه مطلوب بیشتر بر عهده مخاطب است؛ در نتیجه قدرت اندیشیدن را افزایش می دهد و از سوی دیگر، در هنگام فراموشی با یادآوری موقعیت مقایسه، آنچه را از یاد برده است، دوباره یادآوری می کند. در این قسم از امثال معمولاً با عبارات کوتاه و موجز بیان می شوند؛ به این دلیل که تذکر و یادآوری آنها نیز راحت تر است. بهترین قسم از اقسام مثل برای تربیت نیز استفاده از همین شیوه است.

۲: مثل های توصیفی

از جمله اقسام مثل های قرآنی، توصیف و تصویرپردازی آن است؛ بدین معنا که آنچنان فضای موضوع مثل را ترسیم و توصیف کند که مخاطب خود را در آن فضا و محیط حس کند و هر قدر تصویرپردازی مثل روشن تر و شفاف تر باشد، بر مخاطب بیشتر و شدیدتر تأثیر خواهد گذاشت. در این قسم از امثال با جمله بندی و عبارات طولانی و مفصل بیان می شود.

۳: مثل های تاریخی و فردی

مقصود از تمثیل تاریخی داستان هایی است که بیان کننده سرگذشت اقوام پیشین است؛ به منظور اینکه آیندگان از آن عبرت بگیرند و قصه های قرآن از آدم تا خاتم همگی از این مقوله بوده و درحقیقت نوعی تشبیه مخفی در بردارند و آن تشبیه آیندگان به گذشتگان است.

ب- انفاق کردن و حال منافقان

مسئله انفاق یکی از مهم‌ترین مسائلی است که اسلام بر آن تأکید دارد و قرآن مجید بر آن تأکید فراوان کرده است. نزد خداوند متعال، وضعیت انفاق‌کننده که خالصانه در راه خدا انفاق می‌کند، همچون باغی است که در نقطه بلندی باشد و باران‌های درشت و پی‌درپی به آن برسد - و به دلیل بلندبودن مکان، از هوای آزاد و نور آفتاب به حد کافی بهره‌گیرد و آن‌چنان رشد و نمو کند که - دو چندان میوه دهد (البقره/۲۶۵). یا اینکه این عمل اگر برای رضایت خداوند متعال باشد همچون کاشتن یک دانه گندم است که از آن هفتصد دانه برداشت می‌شود (البقره/۲۶۱). درمقابل اگر انفاق کردن برای غیر خدا و جنبه ریا داشته باشد، آن را این‌چنین برای مخاطبان تجسم کرده است؛ انفاقش حالت سنگ صافی را دارد که مختصر خاکی روی آن بنشیند، همین که بارانی تند بر آن بیارد، همین بارانی که مایه حیات زمین و سرسبزی آن است، در این سنگ خاک‌آلوده چنین اثری ندارد (بقره/۲۶۴).

با توجه به اینکه فردی که انفاق می‌کند ثمره اصلی عمل خود را در سرای اخروی می‌بیند، با استفاده از تشبیه این عمل به کاشتن بذر و درختان و برداشت محصول آن در بعد زمانی دیگر این اقدام را این‌چنین برای مخاطبان خود تجسم می‌کند. انفاق کردن یکی از نمونه‌های اعمال مؤمنین است و برای دیگر تکالیف دینی و الهی نیز می‌توان این امثال را به کار برد که هر کدام از تکالیف باید برای رضای خدا و به دور از هر گونه نفاق و ریا باشد و در مثل‌های دیگر نیز حال منافقان را در قالب‌های مثلی برای تقریب به اذهان مخاطبان بیان کرده است؛ برای نمونه، حال افراد منافق را به افرادی که در ظلمت بیابان قرار گرفته‌اند و راه چاره برای خود نمی‌یابند و به‌صورت تصاویری وحشتناک حال آنان را تجسم می‌کند (البقره/۱۸-۱۷).

توحید و شرک را به مخاطبان خود القا کرده است و آنان را این‌چنین مقایسه کرده است: انسان‌های آزاد در مقابل غلامان ذلیل (الملک/۲۲)؛ بنده یک نفر بودن در مقابل بنده چندین نفر بودن (الزمر/۲۹-۲۷)؛ انسان آزاده گویا که دائماً به عدل و داد دعوت می‌کند و بر صراط مستقیم قرار دارد. درمقابل، انسان گنگ مادرزادی که در عین حال برده و ناتوان است (النحل/۷۶).

قالب دیگر که برای تجسم حال مؤمنان و مشرکان بهره‌جسته است، وضعیت ظاهری و جسمی افراد است؛ برای نمونه فردی که زنده است در مقابل فردی که مرده است (انعام/۱۲۲)؛ فرد بینا و شنوا در مقابل شخص نابینا و ناشنوا (هود/۲۴).

برای تجسم این موضوع عقیدتی و عقلانی از پدیده‌های طبیعی و جانوری استفاده کرده است؛ برای مثال انسان مؤمن را به سرزمین پاکیزه و شیرین و انسان مشرک را به سرزمین‌های بدطینت و شوره‌زا (الاعراف/۵۸)؛ تلاش و زحمت کافران به خانه‌سازی عنکبوت (العنکبوت/۴۱)؛ عجز و ناتوانی بت‌ها به مگس (بقره/۲۶)؛ اعمال کفار به خاکستر که روی تندبادی قرار دارد (ابراهیم/۱۸). همچنین اعمال آنها همچون سرابی که در بیابان تصور می‌شود (النور/۳۹)؛ یا ظلمت و تیرگی که امواج روی هم به وجود می‌آورند؛ یا اینکه انسان مؤمن به درخت پاک در مقابل فرد مشرک به درخت ناپاک (ابراهیم/۲۶-۲۴)؛ توحید و حقیقت همچون آب زلال که مایه حیات و زندگی است، اما شرک همچون کف‌های روی آب هرگز کسی را سیراب نمی‌کنند و درختی را نمی‌رویانند (الرعد/۱۷) تشبیه کرده است.

بنابراین از مهم‌ترین موضوعات که خداوند متعال برای تفهیم آن به بشر از قالب مثل استفاده کرده است، موضوع توحید و شرک است که از اساسی‌ترین دعوت انبیای الهی به‌خصوص نبی مکرم اسلام بوده است.

ج- معرفی نمونه الگوهای صحیح و ناصحیح برای

مخاطبان

مثل یکی از قالب های مهم برای ارائه الگوهای صحیح و تأکید بر پیروی از ایشان و همچنین رسواکردن الگوهای ناصحیح و غلط و درهم کوبیدن بت های فکری و فرهنگی در قرآن مجید است؛ به گونه ای که هدف بسیاری از داستان ها و تمثیل های قرآنی الگوسازی از سیره پیامبران، مؤمنان و عبرت دهی از فرجام پیشوایان کفر و گراهی است. خدای مهربان در سوره تحریم آیات ۱۱-۱۰ دو مثل را برای مخاطبان معرفی می کند. یکی مثلی که خدا با آن حال کفار را مجسم می کند و یکی هم مثلی که بیان کننده حال مؤمنان است. مثل اول وضع کفار را در شقاوت و هلاکت، روشن می کند اگر چنین شدند به دلیل خیانتی بود که به خدا و رسولش کردند و سرانجام خیانت به خدا و رسول همین است، از هر کس که می خواهد سر بزند، هر چند از کسی سر بزند که وابسته و متصل به انبیا باشد. مثل دومی بیان کننده این حقیقت است که سعادت و رستگاری مؤمنان هم تنها به دلیل ایمان خالصشان به خدا و رسول و قنوتشان و حسن اطاعتشان است و اتصال و خویشاوندی که با کفار داشتند ضرری به حالشان ندارد؛ پس معلوم می شود ملاک کرامت نزد خدا تنها و تنها تقوی است و بس.

و برای مجسم کردن این معنا، نخست حال این طایفه نخست را به حال دو تا زن تاریخ مثل می زند که هر دو همسر دو پیامبر بزرگوار بودند، دو پیامبری که خدای تعالی عبد صالحشان نامیده - و چه کرامتی بزرگ تر از این - و با این حال این دو زن به آن دو بزرگوار خیانت کردند و در نتیجه فرمان الهی رسید که با سایر دوزخیان داخل دوزخ شوند؛ پس این دو زن همسر و هم بستر دو پیامبر بزرگوار بودند، اما همسری آنان سودی به حالشان نبخشید و بدون کسب کمترین امتیازی در زمره هالکان به هلاکت رسیدند.

و طایفه دوم را به دو زن دیگر تاریخ مثل می زند، یکی همسر فرعون است که درجه کفر شوهرش بدانجا رسید که در بین مردم معاصر خود (با کمال بی شرمی و جنون) فریاد زد «رب اعلائی شما منم»؛ اما این همسر به خدا ایمان آورد و ایمانی خالص آورد و خدای تعالی او را نجات داد و داخل بهشتش کرد و قدرت همسری چون فرعون و کفر او نتوانست به ایمان او خدشه ای وارد سازد. دومی مریم دختر عمران است، مریم صدیقه و قانته که خدایش به کرامت خود گرمایش داشت و از روح خود در او بدمید (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۵۷۵).

بنابراین در این آیات درواقع الگودهی می کند، نه الگوپردازی و شخصیت های واقعی تاریخی را مثل می زند که این موضوع دلالت برای واقعی بودن مثل های قرآنی دارد و خط بطلان می کشد بر عقیده کسانی که بر خیالی و غیرواقعی بودن مثل های قرآنی معتقدند.

د- عالمان منحرف

از دیگر موضوعات مثل های قرآن، معرفی چهره واقعی افرادی است که ادعای علم و ایمان دارند؛ ولی در حقیقت به بیراهه رفتند و در سوره اعراف آیات ۱۷۶-۱۷۵ نامی از کسی نبرده است؛ بلکه از یک عالم و دانشمند سخن می گوید که نخست در مسیر حق بود، آن چنان که هیچ کس فکر نمی کرد روزی منحرف شود، اما سرانجام دنیاپرستی و پیروی از هوای نفس چنان به سقوطش کشانید که در صف گمراهان و پیروان شیطان قرار گرفت (مکارم شیرزای، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۱۳).

در سوره جمعه آیه ۵ منظور از «کسانی که تورات تحمیلشان شد ولی آن را حمل نکردند» یهودیانی اند که خدا تورات را بر پیامبر آنان موسی (ع) نازل کرد و او معارف و شرایع آن را تعلیمشان داد، ولی رهایش کردند و به دستورات آن عمل نکردند، بنابراین خدای تعالی برایشان مثلی زد و آنها را به الاغی تشبیه کرد که کتابهایی بر آنها بار شده و خود آن

مقام و ثروتش دوام‌پذیر است و نه جای امنیت و سلامت است (همان، ج ۸: ۲۶۴).

ر- مسائل اخلاقی

اخلاق از موضوعات مهم دیگری است که قرآن کریم برای بیان آنها از قالب مثل بهره برده است. اخلاق شیوه صحیح زندگی را به انسان‌ها می‌آموزد و سیر و حرکات آنان را به سوی کمال مطلق تنظیم می‌کند. آیات قرآن برای محسوس کردن اخلاقیات در جامعه مثل‌های بیان کرده است؛ برای مثال در سوره بقره آیه ۷۴ قساوت دل افراد را به سنگ سخت تشبیه کرده است که این مثال برای تمامی افراد در همه ادوار زمانی و مکانی محسوس است. همچنین از مهم‌ترین رذایل اخلاقی غیبت کردن است که نابودکننده هر اجتماعی است. با توجه به اینکه سرمایه بزرگ انسان در زندگی، حیثیت اوست و با غیبت کردن، آن را به خطر می‌اندازند، حتی گاه از میان بردن آبروی کسی، از نابودی شخص مهم‌تر است و اینجاست که درحقیقت گناه او از قتل نفس نیز سنگین‌تر است. قرآن کریم در سوره حجرات آیه ۱۲ برای نشان‌دادن شدت موضوع نوع تشبیه را بیان می‌کند تا اهمیت موضوع را برای مخاطبان آشکار کند. آیه ۹۲ سوره نحل به مذمت پیمان‌شکنی پرداخته است. همچنین آیه ۷۴ سوره بقره درباره بنی اسرائیل و مثال جالب و زیبایی درباره سنگدلی آنهاست. بنی اسرائیل در طول تاریخ بشریت کارنامه تاریک و سیاهی داشته است. تعصب، لجاجت، بهانه‌گیری، خودبرتربینی، کینه توزی نسبت به پیامبران و نفوذناپذیری در مقابل حق از جمله ویژگی‌های این قوم است.

۲-۴-۱: مثل‌های عهد جدید

الف: ملکوت خداوند

مهم‌ترین و اصلی‌ترین موضوع مثل‌های عهد جدید، ملکوت خداوند است. اعتقاد به ملکوت خدا که به نوعی جامعه مطلوب و متضمن مساوات، عدالت و آزادی است، درحقیقت نظم اجتماعی مقبول در حکومت خدای مسیح

حیوان هیچ آگاهی از معارف و حقایق آن کتاب‌ها ندارد و در نتیجه از حمل آن کتاب‌ها چیزی به جز خستگی برایش نمی‌ماند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۴۴۹).

ذ- زندگی دنیا

بی‌وفایی دنیا، زودگذربودن زندگی دنیایی از موضوعات دیگری است که خداوند متعال برای بیان آن از قالب مثل استفاده کرده است و این مثل‌ها هشدار می‌دهند برای آنان که دل به دنیا سپرده‌اند و گمان می‌کنند در آن تا ابد باقی‌اند و از آخرت غافل ماندند. با بیان تشبیه‌ها ناپایداری و زندگی زودگذر دنیا را به تصویر می‌کشند تا مبدا انسان، فریب ظاهر زیبا و جذاب دنیا را بخورد و به آن دل ببندد و با این تشبیه زیبا هشدار می‌دهد تا به خیال خود به همه چیز را مهیای بهره‌وری نداند؛ زیرا هر لحظه ممکن است یکباره همه چیز را از دست بدهد. این مثل در آیات حدید/۲۰، مثل زندگی دنیا در بهجت و فریبندگی و سپس در زوال و از دست رفتنش مانند بارانی است که به موقع می‌بارد و باعث رویدن گیاهان و زراعت‌ها می‌شود و زراعت‌کاران از رویدن آنها خوشحال می‌شوند و آن زراعت و گیاه همچنان رشد می‌کند تا به حد نهایی نموش برسد و رفته‌رفته رو به زردی می‌گذارد و سپس گیاهی خشکیده و شکسته می‌شود و بادهای هر سو به سوی دیگرش می‌برند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۲۸۹). در آیه ۴۵ سوره الکهف، مقصود از مثل این است که هر چند دل‌های بشر علاقه به مال و فرزند دارد و همه مشتاق و متمایل به سوی آن‌اند و انتظار انتفاع از آن را دارند و آرزوهایشان براساس آن دور می‌زند، زینتی زودگذر و فریبنده‌اند که آن منافع و خیراتی که از آنها انتظار می‌رود، ندارند و همه آرزوهایی که آدمی از آنها دارد، برآورده نمی‌سازند؛ بلکه صد یک آن را واجد نیستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ همچنین در آیه ۲۴ سوره یونس ترسیم روشن و گویایی از زندگی زودگذر و فریبنده و پر زرق و برق دنیای مادی است که نه

مؤمن و خداپرست اند و در انجیل لوقا/ ۱۸: ۹-۴ را مثال می زند که نباید طبق ظاهر و موقعیت اجتماعی افراد، آنها را قضاوت کرد.

تعلیم عیسی در نقطه مقابل تعلیم دنیا است. افراد دنیوی در جستجوی عزت و اکرام خودند. عیسی می فرماید «ایشان سرانجام پست و سرافکننده خواهند شد؛ اما کسانی که از گناهشان، توبه و خود را در این دنیا فروتن کنند، در آسمان عزت و تکریم خواهند یافت» (متی/ ۵: ۵؛ ۱۸: ۴-۱). همچنین ایشان می فرماید «روی کرسی های صدر نشستن» خطا نیست (بالاخره کسی باید آنجا بنشیند!) اما علاقه به این کار خطا است. احترام شدن خطا نیست، اما تلاش برای جلب احترام مردم خطا است (مرقس/ ۱۲: ۳۸-۳۹).

ج- دعا

اثرات اجابت دعا و شیوه های دعاکردن در این کتاب مقدس با استفاده از اتفاقات روزمره و روابط اجتماعی افراد، مفاهیم انتزاعی را برای افراد تجسم می کند؛ برای نمونه: با مثل خداوند به قاضی بی انصاف، اصرار و پافشاری در دعا و درخواست از خداوند را موجب برآورده شدن دعا می داند و با این مثال به مخاطب خود این مسئله را القا می کند که در دعاکردن امیدوار باشید و هیچ گاه ناامید نباشید؛ همان گونه که قاضی بی انصاف خواسته پیرزنی را با پافشاری هایش برآورده کرد، خداوند که اولی تر است و باید امیدوارتر باشند. همین مضمون در قالب مثلی دیگر با نام دوست مزاحم در انجیل لوقا ۱۸: ۲-۷ آمده است.

د- گناه

از منظر الهیات، مسیحیت با نافرمانی آدم و خوردن از میوه درخت ممنوعه، تقدس یافتگی نخستین او از بین رفت و در نتیجه طبیعت آدمی فاسد شد. در انجیل نیز بارها گناه و معصیت را مهم ترین عامل نجات و

و همه روابط مسیح گونه است. این تلقی نزدیک به ۱۲ مثل از مثل های انجیلی به اختصاص داده است و برای تجسم آن از پدیده های محسوس و آشنا برای مخاطبان استفاده کرده است تا بتواند مفهوم و حقیقت ملکوت خداوند را به تصویر بکشد. مثل های مربوط به ملکوت دربرگیرنده نگاه بیرونی و درونی نسبت به ملکوت اند؛ به گونه ای که ماهیت ملکوت و چگونگی فرارسیدن آن را توضیح می دهد؛ به این صورت که فرارسیدن ملکوت نزدیک است، سپس به زودی سرنوشت ساز است؛ به گونه ای که منشأ بحرانی می شود که جهان و تاریخ را به لرزه در می آورد؛ به همین دلیل باید آماده باشند. این مثل ها عبارت اند از: گندم و علف هرز (متی/ ۱۳: ۳۰-۲۴)؛ گنج مخفی و مروارید (متی/ ۱۳: ۴۴)؛ تور ماهیگیری (متی/ ۱۳: ۴۸-۴۷)؛ کارگران تاکستان (متی/ ۲۰: ۱۶-۱)؛ دانه خردل (متی/ ۱۳: ۳۲-۳۱؛ مرقس/ ۴: ۳۲-۳۰؛ لوقا/ ۱۳: ۲۱-۱۸)؛ خمیرمایه (متی/ ۱۳: ۳۳؛ لوقا/ ۱۳: ۲۱-۲۰) پادشاه و غلام بی رحم (متی/ ۱۸: ۳۴-۲۳)؛ ده باکره (متی/ ۲۵: ۱-۱۲؛ لوقا/ ۲۵: ۱۳)؛ ندیمه های عروسی و دربانان (لوقا/ ۱۲: ۳۹-۳۵؛ مرقس/ ۱۳: ۳۷-۳۴)؛ امناء ده گانه (متی/ ۲۵: ۳۰-۱۴؛ لوقا/ ۱۹: ۱۱-۲۶)؛ دانه خودرو (لوقا/ ۱۲: ۳۹-۳۵؛ مرقس/ ۱۳: ۳۷-۳۴)؛ درخت انجیر (متی/ ۲۴: ۳۶-۳۲؛ لوقا/ ۲۱: ۳۱-۲۹).

ب- مثل هایی با مسایل اخلاقی

مسیحیت، دینی ملایم، لطیف و مملو از ارزش های اخلاقی است. به زورمندان سفارش می کند که در برابر دستورات اخلاقی خاضع و متواضع باشد. در کتاب عهد جدید همواره به مخاطبان خود تذکر می دهد که هیچ گاه تصور نکنند که رذایل اخلاقی گریبان افراد مؤمن و دیندار را نمی گیرد؛ بلکه همه انسان ها در معرض قرارگرفتن رذایل اخلاقی خصوصاً غرور، خودپسندی و ریا هستند که حتی گریبان افرادی را می گیرد که در نگاه همگان

مطرح شده برای هدایت افراد، مسائل اعتقادی است که در قرآن کریم به صورت توحید و شرک و در انجیل با نام ملکوت خداوند مطرح است. از دیگر موضوعات مهم، مسائل اخلاقی است. قرآن کریم رذایل اخلاقی که سبب سقوط هر اجتماعی می‌شوند را بین کرده است؛ مانند سنگدلی و بی‌رحمی و غیبت کردن و درمقابل، انجیل، غرور را در قالب مثل بیان کرده است. هر دو کتاب به بیان الگوهای صحیح و ناصحیح برای مخاطبان پرداخته‌اند و تفاوت ارائه الگوها این است که در قرآن الگودهی به صورت واقعی و تاریخی است؛ بدین صورت که مخاطبان با این الگوها آشنا بوده‌اند و شخصیت و گزارش زندگی آنها با کتب پیشینیان به خصوص از طریق اهل کتاب به آنان رسیده بود و شخصیت‌هایی که مثال می‌زند، واقعی و حقیقی نیستند.

در هر دو کتاب در قالب مثل عالمان دینی فاسد سرزنش شده‌اند و فساد آنها را با این شیوه برای مخاطبان خود تشبیه کرده است تا برای عموم مردم درک‌پذیر باشد. اما در کنار این همه مسائل می‌توان مثل‌های قرآنی را بیشتر جنبه اجتماعی دانست. مثل‌های مانند انفاق کردن، نفاق و دورویی افراد و ارائه الگوی صحیح و ناصحیح در جامعه همگی دلالت بر این موضوع دارند؛ اما با وجود اینها، در مثال‌های دیگر اصالت و اهمیت را به زندگی اخروی می‌دهد و اینکه نباید به زندگی و اجتماعات دنیوی دل‌بستگی بیش از حد داشت. درمقابل، مثل‌های انجیلی بیشتر جنبه فردگرایی و خودسازی فردی دارند؛ مثل‌های مانند دعاکردن و گناه‌نکردن که شخص را بیشتر از جامعه و اجتماع محور قرار داده‌اند، دلالت بر این موضوع دارند.

بزرگ‌ترین عامل هلاکت، شقاوت و ورود به دوزخ معرفی کرده است. در این کتاب مقدس برای تجسم وضعیت فرد گناهکار آن را به درخت انجیر بی‌ثمر در انجیل لوقا ۱۳: ۶-۹ تشبیه کرده است. در این مثال فرد گناهکاری که برای خود و جامعه‌اش فایده و ثمر ندارد، به درخت انجیر بی‌ثمر تشبیه شده است که با گذشت سه سال حتی یک میوه هم نداده است؛ از این رو صبر صاحب باغ به سر آمد و تصمیم می‌گیرد که آن را قطع کند.

اما در عهد جدید در قالب مثل‌های دیگر باز به فرد گناهکار فرصت داده می‌شود که اگر گناه کرد، باز خداوند منتظر است تا فرد گناهکار برگردد و از این بازگشت خداوند شادمان‌تر از دیدن حال ثواب‌کردن بندگان نیکوکارش می‌شود. این موضوع نیز در قالب مثل‌های در متی ۱۸: ۱۴-۱۲؛ لوقا ۱۵: ۷-۱؛ لوقا ۱۵: ۱۰-۸؛ لوقا ۵: ۳۱-۱۱ برای مخاطبان ارائه کرده است.

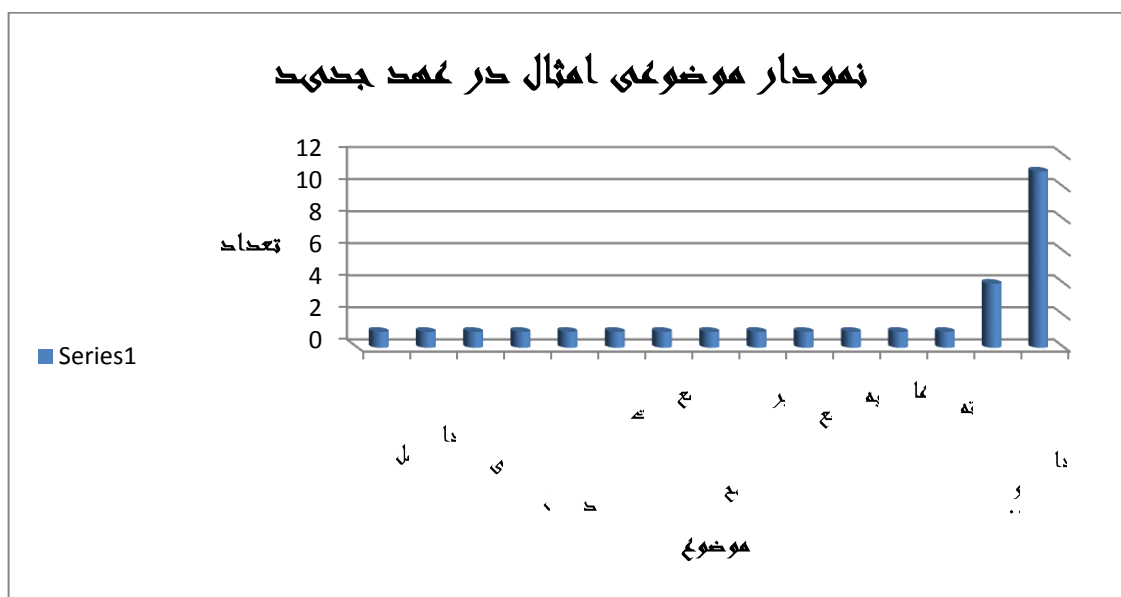
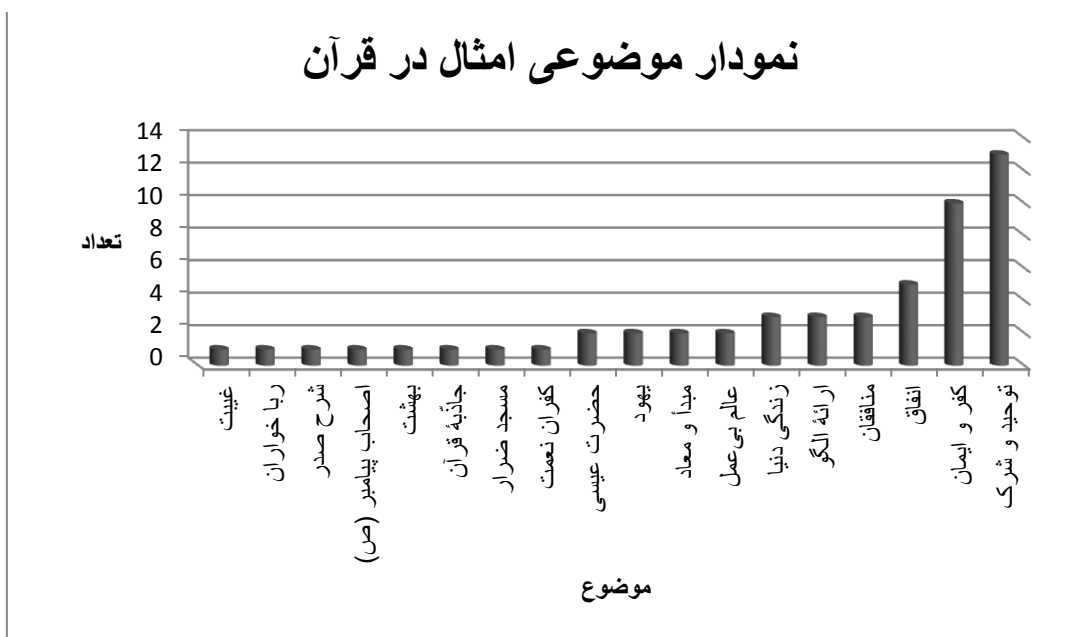
ذ- عالمان دین و فریسیان

ارائه الگو در انجیل به صورت الگوپردازی است؛ یعنی الگوهای را از افراد مشخص و حقیقی انتخاب نکرده است؛ بلکه الگوهایش به صورت کلی و نمادین‌اند. این مثل‌ها عبارت‌اند از: مثل سامری نیکو (لوقا/۱۰: ۳۷-۳۰)؛ مثل فریسی و باج‌گیر (لوقا/۱۸: ۹-۱۴).

فریسیان و علمای دینی از افراد مهم جامعه بنی اسرائیل بودند و برخی از آنان برای عیسی (ع) آزار و اذیت‌های ایجاد می‌کردند که در این کتاب شخصیت و ماهیت آنها در قالب مثل‌های بیان شده است تا افراد فریب ظاهر و موقعیت والای آنها را در جامع نخورند. در انجیل لوقا/۷: ۳۵-۳۱؛ متی/۱۱: ۱۹-۱۶ فریسیان را به کودکان خردسال بهانه جو و در انجیل متی/۲۳: ۲۸-۲۷؛ لوقا/۱۱: ۴۴ آنها را به قبرهای با ظاهر زیبا تشبیه کرده است.

۳-۴: ۱-۴ مقایسه

در هر دو کتاب، مثل برای بیان اصول و مبانی این دو دین بزرگ انتخاب شده است و مهم‌ترین موضوعات



۱-۵-۱: مثل‌های قیاسی

قرآن کریم بارها و بارها در ضمن مثل‌هایی با مقایسه کردن و درنهایت، قضاوت و نتیجه را بر عهده مخاطب می‌گذارد که در این صورت اذهان را به تکاپو و پویایی در این باره وا می‌دارد؛ برای مثال، مثل موحد و مشرک به انسان آزاده و بنده‌ای زرخرید (النحل/۷۵)؛ مثل مؤمن و کافر به بنده یک شخص و بنده چند شخص (الزمر/۲۹-۲۷)؛ مثل مشرک و مؤمن به مرده و زنده (انعام/۱۲۲)؛ مثل موحد و مشرک به توانمندی گویا و

۱-۵: انواع مثل

پژوهشگران مثال‌ها را از ابعاد مختلف و به روش‌های گوناگونی تقسیم‌بندی کرده‌اند؛ یعنی گاه مثال‌ها را از جنبه ظاهر و گاه از جنبه محتوایی، گاه از جنبه شرایط زمانی و مکانی که مثال‌ها در آن تکوین یافته‌اند و گاه از جنبه ارائه‌دهندگان مثال و یا طبقات و محیط فرهنگی آنها و یا از جنبه‌های دیگر بررسی کرده و انواع گوناگونی از مثال‌ها را بر شمرده‌اند. در این قسمت به انواع مثل در قرآن و عهد جدید از لحاظ محتوا پرداخته می‌شود:

جزئیات بیان شده‌اند؛ به خصوص در مثل‌های مرتبط با ملکوت این توصیفات بیشتر است.

۳-۵-۱: مثل‌های تاریخی و فردی

هدف مثل‌های قرآن گزارشگری تاریخی نیست؛ بلکه در دل هر یک از آنها نتیجه‌ای اخلاقی و آموزشی نهفته است. مثل‌های از این قبیل عبارت‌اند از: الگوهای سیئه (التحریم/۱۰)؛ الگوی حسنه (التحریم/۱۱)؛ مثل عالم منحرف به سگ‌ها (الاعراف/۱۷۶-۱۷۵)؛ مثل یهود به شیطان (الحشر/۱۷-۱۴).

مثال‌های عهد جدید از شخص خاصی به منزله الگو نام نبرده است؛ از این رو هیچ یک از مثال‌های این کتاب مقدس به صورت مثال‌های فردی بیان نشده است؛ بنابراین ارائه مثل‌های فردی نیز از امتیازات امثال قرآن است.

۴-۵-۱: مثل‌های رمزی

منظور از مثل‌های رمزی که بخش چشمگیری از امثال قرآن و عهد جدید را تشکیل می‌دهند، امثالی است که در طی آن خداوند با ایماء و اشاره به اموری پرداخته است که درک و فهم صحیح آن نیازمند تدبری دقیق وמושکافانه است. آیات زیر برخی مثل‌های رمزی قرآن است:

- ۱- انفاق‌های خالصانه در راه خدا (بقره/۲۶۵)؛ ۲- انفاق برای دنیا به کشتزار توفان زده (آل عمران/۱۱۶-۱۱۷)؛ ۳- گروهی سرگردان در بیابانی تاریک و وحشت‌زا (بقره/ ۲۰-۱۹).

همچنین در کتاب مقدس به این قسم از مثل توجه شایانی شده است؛ برای نمونه:

- ۱- مثل کارگران تانگستان (متی ۲۰: ۱-۱۶)؛ ۲- مثل گندم و علف هرز (متی ۱۳: ۲۴-۳۰)؛ ۳- مثل ملکوت خدا به دانه خردل (متی ۱۳: ۳۱ و ۳۲)؛ ۴- مرقس ۴: ۳۰-۳۲؛ ۵- لوقا ۱۳: ۱۸-۲۱)

گنگی ناتوان (النحل/۷۶)؛ مثل مؤمن و کافر به «بینا» و «شنوا» و «کور و کر» (هود/۲۴)؛ مثل مؤمن و کافر به زمین خوب و بد (الاعراف/۵۸)؛ مثل توحید و شرک به درخت پاک و ناپاک (ابراهیم/۲۶-۲۴).

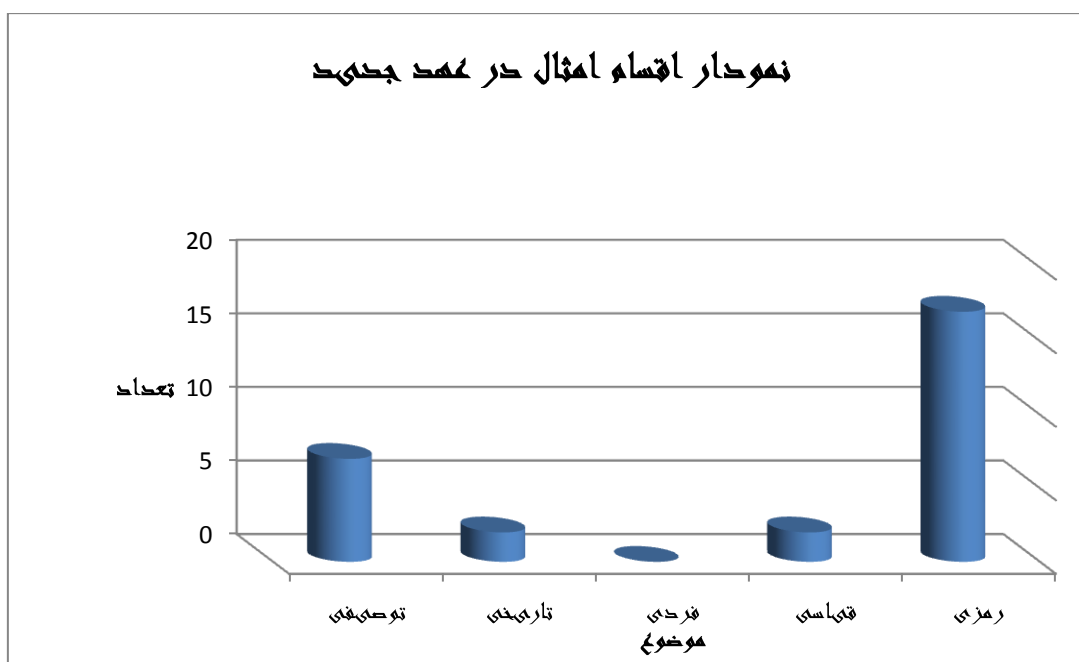
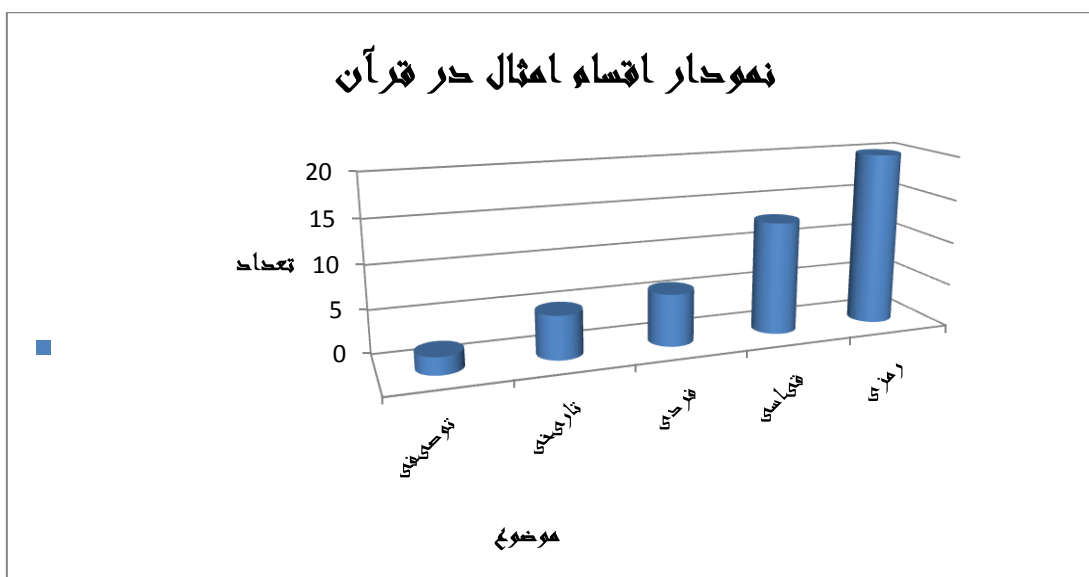
در عهد جدید تنها دو مثل به این روش ارائه شده‌اند که عبارت‌اند از: مثل فریسی و باج‌گیر (لوقا ۱۸: ۹-۱۴) و مثل گندم و کرکاس (متی ۱۳: ۳۱-۳۵)؛ بنابراین امثال قرآن از این حیث دارای امتیاز نسبت به امثال عهد جدیدند.

۲-۵-۱: مثل‌های توصیفی

از جمله اقسام مثل‌های قرآنی، توصیف و تصویرپردازی آن است؛ بدین معنا که آنچنان فضای موضوع مثل را ترسیم و توصیف کند که مخاطب خود را در آن فضا و محیط حس کند و هر قدر تصویرپردازی یک مثل روشن‌تر و شفاف‌تر باشد، بر مخاطب بیشتر و شدیدتر تأثیر خواهد گذاشت. قرآن کریم جاهای که لازم باشد به توصیف دقیق صحنه و شخصی‌های مثبت و منفی مثل و توصیف نعمت‌های بهشتی و عذاب‌های دوزخی می‌پردازد تا مخاطبان با ترسیم و تجسیم خود را در آن حالت تجسم کنند و با تمام وجود درگیر آن مثل شوند. مثل از این قسم عبارت‌اند از: صاحب دویاغ (الکهف/۴۳-۳۲)؛ توصیف بهشت (الرعد/۳۵؛ محمد/۱۵)؛ مثل ذات بی‌مانند خدا (النور/۳۵)؛ مثل حق و باطل (الرعد/۱۷)؛ مثل زندگی دنیا به باران (الحدید/۲۰؛ کهف/۴۵؛ یونس/۲۴)، گروهی سرگردان در بیابانی تاریک و وحشت‌زا (البقره/۲۰-۱۹)؛ خاموشی نور در بیابانی تاریک و وحشت‌زا (البقره/۱۸-۱۷).

در مثل‌های انجیل، توصیف بیشتر و گسترده‌تر است. علت اینکه مثل‌های انجیلی بلندتر و طولانی‌ترند، شاید این باشد که در آنها جزئی‌ترین مسائل، توصیف و تشریح شده‌اند و صحنه مثل و خصوصیات افراد صحنه با

در این قسمت نمودار اقسام امثال در قرآن و عهد مقدس را از اقسام مختلف به نمایش بگذارند. جدید ارائه شده است تا میزان بهره‌گیری این دو کتاب



امثال همواره فرازهای مهم و کارساز را مطرح و از ارائه‌ی همه جزئیاتی که نقش چندانی در القای پیام ندارند، خودداری کرده است. هدف از به کار بردن ایجاز در مثل‌های قرآنی اصالت‌دادن به محتوا و جنبه‌های عبرت‌آمیز است؛ بنابراین گاه فقط یک پرده یا یک حلقه نمایشی از فرازهای مفید و مؤثر مثال‌ها ارائه شده و بازسازی بقیه

۶-۱: طول جملات امثال

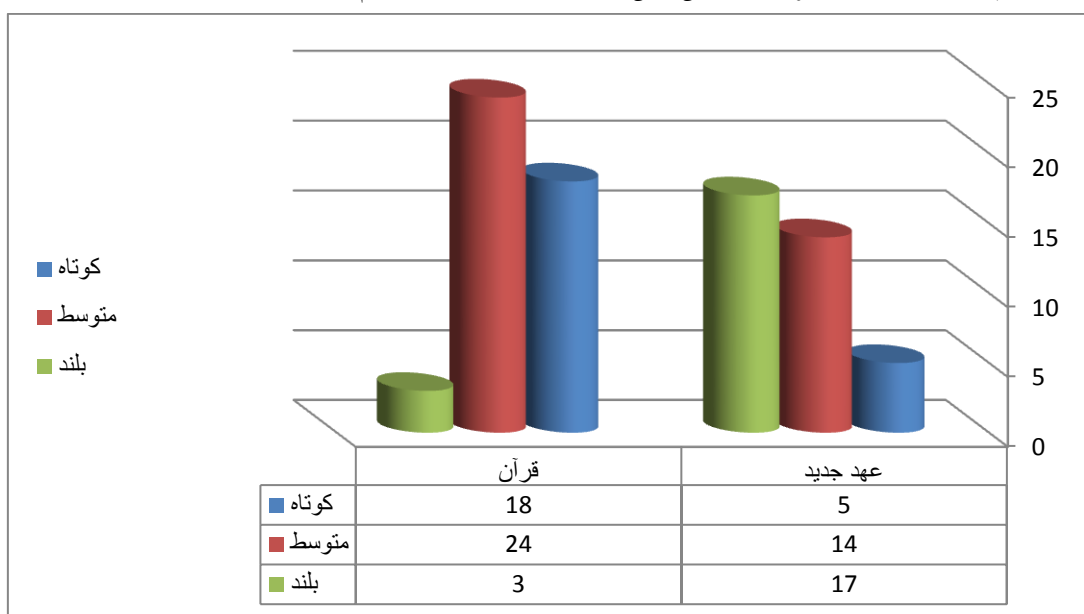
یکی از ویژگی‌های بارز پاره‌ای از مثل‌های قرآن، حذف برخی از مقاطع و صحنه‌ها و واگذار کردن آن به مخاطبان است تا با نیروی تخیل و جستجوگر خویش بین آن دو پلی بزنند و آن خلاءها را پر سازند. قرآن برای ایجاد تکاپوی ذهنی و عدم رکود فکری انسان‌ها در طرح

مسئله، امثالی که طول جملات آنها بین ۱ تا ۵ جمله باشد، امثال کوتاه در نظر گرفته شدند که در این ارزیابی، بیشتر تعداد امثال قرآنی کوتاه بودند. برای سنجش طول امثال متوسط بین ۶ تا ۱۰ جمله در نظر گرفته شد که پس از امثال کوتاه این قسم از امثال نیز تعدادشان در قرآن زیاد است و برای سنجش امثال بلند ملاک را از ۱۰ جمله بیشتر گرفته شد که کمترین تعداد را در بین امثال قرآنی به خود اختصاص داد؛ اما درمقابل بیشترین تعداد امثال عهد جدید از این قسم بودند.

پرده‌ها و حلقه‌ها به عهده مخاطبان گذارده شده است (قاسمی، ۱۳۸۲: ۹۹-۹۸)؛ درحالی‌که بیشتر مثل‌های عهد جدید به شیوه اطناب و تفصیل، بیان و تمامی جزئیات کم اثر نیز در آن ذکر شده و هیچ مطلب کوچکی در آن فروگذار نشده است.

۱-۶-۱: مقایسه

تطبیق امثال قرآن و عهد جدید نشان می‌دهد امثال قرآن در نهایت ایجاز بیان شده است؛ در صورتی که در عهد جدید به اطناب بیان شده است. برای سنجش این



اما نکته‌ای که در مواجهه با امثال این دو کتاب ارزشمند به وضوح درخور مشاهده است، بحث عینیت و واقعی بودن مباحث مطرح شده در مثل‌های قرآنی است؛ برای مثال در معرفی کردن الگوی حسنه و سیئه قرآن کریم از الگوهای واقعی و حقیقی که در تاریخ و در جامعه نزول موجود و معهود بوده، استفاده کرده است؛ در صورتی که در مثل‌های انجیلی این الگوها نمادین و سمبلیک‌اند و بیشتر از یک طبقه آن هم به صورت اشخاص نکره بهره جسته است. این موضوع می‌تواند در باور و الگوپذیری مخاطبان تأثیر بگذارد. بدین صورت که لزوماً تمام افراد فریسیان افراد مغرور و جاه طلبی نبودند؛

نتیجه

با توجه به مطالب بیان شده مهم‌ترین قسمت مثل‌ها بحث موضوعات مثل‌ها است که درحقیقت بیان‌کننده رسالت اصلی آنهاست. هر دو کتاب برای تشریح و تبیین رسالت و هدف خود از این قالب ادبی استفاده کردند و مهم‌ترین موضوع که بیشترین تعداد امثال را به خود اختصاص داده است، بحث شرک و توحید است. در بین مثل‌های انجیلی نیز بحث ملکوت خداوند بیشترین تعداد امثال را شامل می‌شود که می‌توان به صراحت اعلام کرد هر دو کتاب در زمینه بحث‌های اعتقادی که در راستای هدف کلی و اصلی این دو کتاب است، از قالب مثل بیشترین بهره را برده‌اند.

درک و فهم جامع تری نسبت به هدف و موضوع پیدا می‌کند؛ البته درمقابل در بین مثل‌های انجیلی شاید می‌توان این نکته را اذعان کرد که از توصیف بیشتری برخوردارند که این موضوع تنها اختصاص به قالب مثل در این کتاب مقدس نیست؛ بلکه در دیگر قالب‌ها و شیوه‌های بیانی عهد جدید نیز مشاهده می‌شود. شاید به همین دلیل است که اطناب در بین مثل‌های انجیل به مراتب بیشتر از مثل‌های قرآنی است؛ زیرا گاهی از هدف و رسالت مثل یا دیگر مباحث همچون داستان‌های آن دور شده و بیشتر به تشریح و توصیف صحنه و گفتن حاشیه‌ها پرداخته شده است؛ اما این مطلب شاید متناسب با نوع مخاطبان و فضای نزول نیز باشد؛ بدین‌گونه که نوعاً افرادی بودند که به دنبال جزئیات و تشریح و تبیین مطالب بودند و این خصلت آنها این‌گونه بیانات را طلب می‌کرد و در تصویرسازی ذهنی و تجسم بیشتر موضوعات در اذهان آنان کمک می‌کرد؛ اما در بین مثل‌های قرآنی این نوع از تصویرسازی و توصیف صحنه و جزئیات به مراتب کمتر است و به همین دلیل، مثل‌های قرآنی کوتاه‌تر و مختصرترند. احتمال دیگر این مسئله می‌تواند این باشد که همواره در کنار قرآن کریم مفسران معصوم و نایبان الهی حضور داشتند که به تشریح و تفسیر این مثل‌ها می‌پرداختند.

درنهایت می‌توان این چنین برداشت کرد که هر دو کتاب در راستای رسالت و ناظر با اهداف اصلی خود از قالب و شیوه مثل استفاده کرده‌اند. موضوعات و مفاهیم متعددی را مطرح کرده‌اند که لازمه بهتر زیستن و سعادت افرادند. زیبایی این شیوه بیانی در این است که هیچ‌گاه رنگ کهنگی و بدون کارایی بر آن نمی‌نشیند و از طرف دیگر، به دلیل جالب بودن این شیوه، این قسم از آیات به مراتب بهتر در اذهان مردم جا می‌گیرند و راحت در محاورات و در بین افراد به‌عنوان شاهد مثال استفاده می‌شوند که البته این مسئله به مراتب در بین مثل‌های قرآنی به دلیل وجیز و کوتاه‌تر بودن مشاهده‌پذیر است.

بلکه ممکن است در بین آنها افراد خیرخواه و نیکویی وجود داشته باشد و اینگونه مثل‌ها تصور واقعی و حقیقی را در بین مخاطبان به وجود نمی‌آورد. شاید این نقطه ضعفی برای مثل‌های انجیلی به شمار آید؛ البته ما منکر اینکه در بین این گروه افرادی وجود داشته‌اند که می‌توانند الگویی سیئه محسوب به شمار آیند؛ اما نمی‌توان قید تمامیت و همگانی را به کار گرفت. از طرفی دیگر، این نوع از مثل در یک کتاب دینی شاید وجهه دینداران و افراد پای‌بند به شئونات و حتی اهل کلیسا را در دوره‌های بعدی خدشه دار کند؛ زیرا در مقابل این افراد دیندار و پای‌بند به مناسک دینی، الگوی مثبت را فردی قرار می‌دهد که شاید به ظاهر به شریعت و مناسک دینی پایبند نیست؛ اما طبق نیت و خصلت فردی خود می‌تواند تبدیل به الگوی حسنه شود که این بحث نشان می‌دهد برای خوب بودن لزوماً نباید به شریعت و قواعد آن پایبند بود؛ اما در مثل‌های قرآنی با معرفی الگوهای عینی و واقعی، افرادی را معرفی می‌کنند که پرورش یافته دین و شریعت دینی‌اند و خصایص رفتاری آنها از باورهای دینی و الهی سرچشمه می‌گیرند. درحقیقت مثل‌های قرآنی، ظاهر و باطن افراد همسان را معرفی می‌کند و این افراد را تربیت یافته و پرورش شده دامن دین می‌داند. بر اساس این، مباحث و موضوعاتی خوب‌اند که صبغه دینی و الهی دارند و درمقابل بعضی مباحث و موضوعات مخرب‌اند که اینها از دین و شریعت به دورند و به مراتب مخاطبان را نیز از خداوند دورتر می‌کنند؛ همانند انفاقی که همراه با نفاق و ریا باشد.

مبحث بعدی که در رابطه با تطبیق مثل‌های این کتاب تحقیق و تفحص شده است، اقسام مثل بود؛ همان‌گونه که بیان شد قرآن کریم از شیوه مقایسه و قیاس کردن به مراتب از انجیل مقدس بیشتر استفاده کرده بود. این شیوه مثل شاید از بهترین قالب برای تبیین و تشریح مطلب باشد؛ زیرا زمانی که در قالب یک مثل موضوعات به نسبت هم سنجیده و ارزش‌گذاری می‌شوند، مخاطب

منابع

- اسوه.
- ۱- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
- ۲- عهد جدید، ترجمه هزاره نو.
- ۳- عهد قدیم، ترجمه تفسیری کتاب مقدس.
- ۴- پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۹)، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۵- حسینی، جعفر، (۱۴۱۳)، اسالیب البیان فی القرآن، تهران، مؤسسه الطباعة و النشر وزارة الثقافة و الارشاد اسلامی.
- ۶- حکمت، علی اصغر، (۱۳۶۱)، امثال قرآن فصلی از تاریخ قرآن کریم، تهران، چاپخانه مجلس.
- ۷- داد، سیما، (۱۳۷۱)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران، مروارید.
- ۸- زرکشی، بدرالدین، (۱۴۱۰)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
- ۹- زلهایم، رودلف، (۱۳۸۱)، امثال کهن عربی، ترجمه احمد شفیعی‌ها، تهران، نشر دانشگاهی.
- ۱۰- سبحانی، جعفر، (۱۳۷۹)، الامثال فی القرآن الکریم، قم، مؤسسه الصادق(ع).
- ۱۱- سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۲۱)، الإقتان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العربی.
- ۱۲- شوالیه، ژان و آلن گریبان، (۱۳۷۸)، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، نشر جیحون.
- ۱۳- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۴- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۶)، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الكتاب العزیز، بتحقیق محمدعلی نجار؛ عبدالعلی طحاوی، قاهره، جمهوری مصر العربیه، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیه.
- ۱۵- عزیز، فهیم، (۱۳۹۲)، دانش تفسیر در سنت یهودی، علی مسیحی نجفی‌نژاد، قم، انتشارات دانشگاه مفید.
- ۱۶- قاسمی، حمیدمحمد، (۱۳۸۲)، مثل‌های قرآن، تهران،

